

# کتابخانه مجلس شورای اسلامی کتابخانه مجلس شورای اسلامی

احمد اشرف

## القاب دیوانی در عهد قاجاریه

احمد اشرف رساله‌مانندی تحت عنوان القاب و عناوین نوشته است و ما فعلا قسمتی از آن مربوط به عهد قاجاری را چاپ می‌کنیم. (آینده)

عهد قاجاریه از لحاظ القاب توصیفی، شخصی، دیوانی، سه‌دوره دارد: دوره رونق القاب در زمان فتح‌المشاه؛ دوره تورم القاب در عهد ناصرالدین‌شاه؛ و دوره انحطاط و پایان یافتن نهاد القاب در عهد مظفرالدین‌شاه و احمدشاه و انقراض قاجاریه. دوره اول، زمان آغاز و رشد تدریجی اعطای القاب توصیفی، شخصی، دیوانی، است. نخستین لقب دیوانی «اعتمادالدوله» است که به تقلید از صفویه به صدر اعظم اعطا می‌شود. آنگاه فتح‌المشاه آغاز به اعطای چند لقب توصیفی مربوط به مشاغل عالی به تقلید از صفویه می‌کند: «مستوفی‌الممالک، منشی‌الممالک و معیرالممالک» که به افراد و خاندانهای ارباب آن مناصب تعلق می‌گیرد. وی همچنین حدود ۵۰ لقب توصیفی یا مضاف‌الیه «دوله» و «سلطنه» و چند لفظ دیگر به شاهزادگان، زنان حرم و برخی از رجال دیوانی اعطا می‌کند (تاریخ عضدی، ص ۲۵-۳۰۲، فهرست اعلام، ص ۶۰-۱۵). محمدشاه نیز به همین سیاق تعدادی لقب اعطا می‌کند. در اواخر سلطنت فتح‌المشاه یکی از مؤلفان به تمسخر نام و لقب ۱۰۲ شاهزاده را با مضاف‌الیه «ملک»، که هنوز در آن دوره چندان متداول نبود، به دست می‌هد و با توجه به زاد و رود شاه پیش‌بینی هزاران لقب از این نوع را می‌کند که در دوره ناصری و اواخر قاجاریه تحقق می‌یابد (رستم‌التواریخ، ص ۷۱-۶۷). به خاطر آنکه در آن زمان اعطای القاب رسم نبود. لقب دادن به ۱۷ تن از فرزندان شاه موجب این عکس‌العمل شده است.

فهرست القاب در چهل‌مین سال سلطنت ناصرالدین شاه، ساخت و ترکیب القاب دیوانی دوره قاجاریه را نشان می‌دهد (المآثر و الآثار، ص ۴۲-۲۳۰). در این فهرست ۶۱۸ لقب آمده است: ۲۱۸ لقب نوعی شغلی و ۴۰۰ لقب توصیفی شخصی. در این فهرست بیش از ۴۰ مضاف‌الیه و حدود ۱۳۰ مضاف بکار رفته است. براساس یک

برآورد حدود ۲۵۰ کلمه مناسب برای مضاف القاب وجود داشته که با ۴۰ مضاف الیه حدود ۱۰ هزار لقب قابل ساختن بوده (شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۵۹۱، فهرست چرچیل در آغاز قرن کنونی حاوی ۱۸۱ مضاف و ۹ مضاف الیه بود).

مضافهای القاب از اسماء وصفی انتخاب می‌شد و حسب تناسب معنی آن با وظیفه و مرتبهٔ رجال به آنان اعطا می‌گردید. یکم، آنچه حکایت از شغل می‌کرد ۱۷ اسم مانند «دبیر و مستوفی». دوم، آنچه حاکی از ریاست بود ۱۴ اسم مانند «سلطان، صدر، عمید و نقیب». سوم، آنچه دلالت به بیاری و اتکاء می‌کرد ۱۱ اسم مانند «اعتضاد، اعتصام، ظهیر، قوام و رکن». چهارم، آنچه حاکی از خوشی و پیروزی بود ۱۲ اسم مانند «اقبال، سعد، ظفر و نصر». پنجم، آنچه به معنای درستی و امانت بود ۹ عنوان مثل «امین، صدیق و موتمن». ششم، آنچه حاکی از نور و روشنائی بود ۹ اسم مانند «شعاع، و شهاب». هفتم، آنچه دلالت بر حشمت و جلال می‌کرد ۹ عنوان مانند «حشمت و مجد». هشتم، آنچه به معنای شمشیر بود ۵ اسم مانند «حسام و صارم». نهم، حدود ۱۴ اسم دیگر به معنای مختلف مثل «آصف، شرف، ملتزم و مشیر». ضمناً حدود ۳۰ اسم برای زنان حرم بود که غالباً از اسامی متداول زنان که معنی وصفی داشت گرفته بودند. بعضی از مضافها نیز میان رجال و نساء مشترک بود که برای تمایز با مضاف الیه‌های مختلف می‌آمد مثل «نصرت‌الملوک و شمس‌الملوک» برای زنان و «نصرت‌الدوله و شمس‌العلماء» برای مردان. برخی از الفاظ هم بود که هم مضاف و مضاف الیه می‌شد مثل «سلطان و نظام» که البته معانی آنها تغییر می‌کرد مثل «امیرنظام و نظام‌العلماء» و «امین-سلطان و سلطان‌الواعظین».

مضاف الیه جزء اساسی لقب بود و مناسب با مقام و موقعیت و وظایف دیوانی یا اجتماعی صاحب لقب برگزیده می‌شد. توزیع ۴۰۰ لقب توصیفی بر حسب فراوانی مضاف الیه‌ها و تعلق آنها به مقامات و مراتب اجتماعی از این قرار بود: یکم، القاب شاهزادگان و رجال ۱۸۹ عنوان: دوله ۵۰، سلطنه ۳۱، ملک ۷۳، ممالک ۸ (که مربوط به صاحبان مشاغل معین بود مثل مستوفی‌الممالک و معیر‌الممالک)، سلطان ۳، دیوان ۵، سفرا ۳، تولیه ۱۰، اختیار ۱ و موارد خاص ۵، مثل آتابک اعظم و فرمانفرما. دوم، القاب زنان حرم ۸۱ عنوان: دوله ۲۳، سلطنه ۳۱، ملوک ۱۸، حاجیه ۴، خاقان ۱، اقدس ۱ و سایر ۳. سوم، القاب عملاً خلوت حرم ۱۵ عنوان: خلوت ۵، حضور ۵، حرم ۳ و یک‌عنوان برای همایون و یک‌عنوان برای دربار. چهارم، القاب عمال نظامی ۱۵ عنوان: نظام ۵ و لشکر ۱۰. پنجم، القاب عمال دیوانی ۲۱ عنوان: وزاره ۸، رعایا ۳، عداله ۲، یکام ۲، و یک‌عنوان برای هر یک از مضاف الیه دفتر، شوری، سره، میزان، مهام و نظاره. ششم، القاب علماء و روحانیون و سادات ۳۴ عنوان: علماء ۱۰، سادات و اشراف ۸، ذاکرین ۵، اسلام و شریعه هر کدام ۴، واعظین ۳. هفتم، القاب نویسندگان و حکما و اطباء ۳۸ عنوان: اطباء ۲۴، شعرا ۵، کتاب ۴، ادبا ۲، حکما ۲ و علوم یک. هشتم، القاب تجار ۷ لقب با مضاف الیه تجار. از القابی که خاص اهل شمشیر بود و در دورهٔ قاجاریه اهمیت داشت «سپهدار و سپهسالار» و نیز مضاف «امیر و سردار»

با مضاف‌الیه «نظام، جنگ، اقتدار، مجاهد و مکرم» بود.

هم مضاف و هم مضاف‌الیه و نیز ترکیبات مختلف آنها سلسله مراتبی داشت: «یا به‌حسب معانی، یا به‌حسب عذوبت الفاظ، یا به‌حسب فخامت یعنی بزرگی، یا به‌حسب کثرت و قلت استعمال تجارب السلف، ص ۳۵۰). درمیان مضاف‌الیه‌ها «دوله» که لقب شاهان آل بویه و غزنوی و امرا و وزرای بزرگ و سپس لقب وزرای اعظم صفوی بود اعتبار زیاد داشت. «سلطنه بیشتر به مقربان شاه و زنان حرم اعطا می‌شد. «ملک» بعد از آنها و «ممالک» معمولاً با یک مضاف شغلی ترکیب می‌شد مثل «مستوفی و معیر». «سلطان» در عهد ناصری اهمیت خاص داشت چون در انحصار سه‌کس بود: ظل‌السلطان فرزند ارشد شاه، امین‌السلطان مرد شماره دوم کشور و عزیزالسلطان ملیک شاه. لکن در دوره بعد شایع‌شد و تاحدی افول‌کرد. درمیان مضافها اسم‌هایی مثل «أصف، مشیر، مجد، ظهیر، رکن، اعتماد، امین، شماع و حشمت» اهمیت بیشتر داشت. لکن چگونگی ترکیب با مضاف‌الیه نیز در مرتبه لقب مؤثر بود. مثلاً میرزا نصرالله خان نائینی از «مصباح‌الملک» به «مشیرالملک» و سرانجام به «مشیرالدوله» ارتقاء لقب پیدا کرد. چون «مشیر» بالاتر از «مصباح» و «دوله» بالاتر از «ملک» بود (شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۳۵۱). عامل دیگری که در درجه و مرتبه لقب تأثیر داشت، شأن و اعتبار صاحب لقب بود. مانند لقب «مشیرالدوله» که تمام شش نفر صاحبان آن از اوایل تا اواخر قاجاریه مردان صاحب‌نام بودند. سرگذشت این لقب چگونگی انتقال القاب را نیز روشن می‌کند. مشیرالدوله اول، میرزا جعفرخان، از رجال نامی و صاحب رساله سرحدیه، سفیر و رئیس اولین شورای وزیران بود (همان، ج ۱، ص ۴۴-۲۴۱). مشیرالدوله دوم، میرزا حسینخان سپهسالار، سفیر، وزیر جنگ و صدراعظم و وزیر خارجه بود (همان، ج ۱، ص ۲۶-۴۰۶). مشیرالدوله سوم، یحیی‌خان، برادر دومی، شوهر خواهرشاه و به ترتیب ملقب به آجودان مخصوص، معتمدالملک، وزیر مخصوص، و پس از مرگ برادر لقب وی گرفت و به وزارت خارجه رسید (همان، ج ۴، ص ۷۲-۴۳۸). مشیرالدوله چهارم، میرزا محسن‌خان، سالها سفیر بود و خطاب «خان» و لقب «معین‌الملک» داشت و پس از وزارت تجارت و عدلیه باین لقب رسید و سرانجام وزیر خارجه شد (همان، ج ۳، ص ۱۲-۲۰۴). مشیرالدوله پنجم، میرزا نصرالله خان نائینی پس از فوت قبلی، همان لقب را یافت و وزیر خارجه شد (همان، ج ۴، ص ۵۹-۳۵۱). مشیرالدوله ششم، میرزا حسن‌خان پسر پنجمی بود که پس از اعطای لقب «مشیرالدوله» به پدر لقب پدر را که «مشیرالملک» بود به او دادند و پس از مرگ پدر لقب «مشیرالدوله» گرفت و وزیر خارجه و سپس چندبار رئیس‌الوزراء شد (همان، ج ۱، ص ۲۵-۳۲۳، و نگاه‌کنید به ایرج افشار، شش مشیرالدوله). لقب «رکن‌الدوله» نیز به ۶ تن از خاندان سلطنت رسید که اولی تاج‌هارمی غیر موروثی و پنجمی و ششمی موروثی از پدر و برادر بود (سعادت نوری، «رکن‌الدوله‌ها»).

چون القاب سلسله مراتب داشت و تاحدی با سلسله مراتب شغلی هم‌بسته بود

رجال کشور غالباً یا پیش از ارتقاء مقام یا همزمان یا بعد از آن ارتقاء لقب می‌یافتند. در نتیجه غالب رجال بزرگ در طول خدمت چند لقب می‌گرفتند. طبق برآوردی که از تعداد القاب بر اساس اطلاعات شرح حال رجال ایران به عمل آمده، حدود یک چهارم رجال دولتی و حدود یک دهم آنان سه لقب و بیشتر گرفته‌اند. آنان بالاترین مشاغل را نیز داشته‌اند. القاب نیز مانند مشاغل تا حدی جنبه موروثی داشت، به خصوص اگر القاب از درجات پایین‌تر بود و داوطلب ذینفوذی نداشت و وارث صلاحیتداری هم موجود نبود احتمال انتقال لقب به وراثت زیاد بود، یعنی وراثت حق تقسیم در اخذ و احراز لقب داشتند. طبق همان بررسی حدود یک سوم القاب موروثی و نزدیک به نیمی اکتسابی و درمور چگونگی احراز بقیه اطلاعاتی در دست نبوده است.

در دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه، امین‌السلطان صدراعظم برای بسط نفوذ خویش القاب بسیاری تصویب کرد و به‌صحه شاه رسانید که مقدمه تورم القاب شد. در آن زمان برای لقب فرمان صادر می‌کردند و از ۵۰ تا ۱۰۰ دانه پنج‌جزاری طلا برای صدور فرمان لقب پیشکش می‌دادند (شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۵۹۱). ناصرالدین شاه برای جلوگیری از اعطای به‌رویه القاب و تورم و بی‌اعتبار شدن آن چند اقدام بی‌نتیجه کرد: یکی اینکه برای رهایی از فشار نزدیکانش برای اعطای لقب به افراد بی‌صلاحیت چند بار اعطای لقب را برای مدتی متوقف کرد، از جمله در سال ۱۳۰۳/۱۸۸۶ (روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۴۳۹). وی در همان سال دستور داد تا کلیه القاب در رساله‌ای ثبت شود که تنها مقدمه آن با چند لقب تدوین شد («ترتیب القاب» فرهنگ ایران زمین، ج ۱۹، سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ ص ۸۸-۶۳). وی همچنین در اواخر سلطنت خود دو قانون تصویب کرد: «قانون بذل مناصب و امتیازات نظامی» که تعداد سرداران و امیران تومان را بترتیب به ۵ و ۷ نفر محدود می‌کرد (روزنامه ایران ش ۸۲۲ سال ۱۳۱۱/۱۸۹۴، ص ۱) و «قانون‌نامه امتیازات دولتی» که فصل سیزدهم آن به ضوابط اعطای القاب اختصاص دارد و نشان دهنده انواع انحراف از آنهاست: «القاب مختلفه که برای تمایز اشخاص به طبقات علما و وزراء و شاهزادگان و اعیان و تجار و محترمان خوانین داده می‌شود از این تاریخ ببعده مشروط بققرات مشروحه ذیل است: اولاً، لیاقت و برازندگی شخصی، ثانیاً، ظهور خدمتی فوق‌العاده که او را مستوجب امتیاز و تمیز در خطاب کرده باشد؛ ثالثاً، موجود بودن اسباب و لوازم ظاهره که بتواند درخور خطاب دولتی تجملات خود را حفظ کند؛ رابعاً، مناسبات حال و محل و لقب و مدعوبه که موقع و مسلک و شخص و تشخص آن به‌همه جهت رعایت شده باشد؛ خامساً، تمیین القاب از لقب‌هایی که تاکنون مصطلح و معمول شده است، اختراع لفظ جدید و اشتقاق تازه در لغات بکلی موقوفست... کسانی که از طبقات نوکر و غیر نوکر بی‌حکم همایون بنحود لقبی بسته و تدریجاً خود را به آن القاب معروف نمایند مستوجب حبس و جریمه خواهند بود» (روزنامه ایران ش ۸۳۰ سال ۱۳۱۱/۱۸۹۴، ص ۳).

در زمان مظفرالدین شاه موضوع فرمان شاه منتفی شد و «به دستخط تنها هم لقب داده می‌شد. منشی و کاغذخوان حضور روزی ده بیست تا از این دستخط‌ها صادر

می نمود و اگر لغت و لیبسی هم در کار بود خود می کرد» (شرح زندگانی من ج ۱، ص ۵۹۱). در این زمان نیازی حتی به صدور دستخط مظفرالدین شاه هم نبود. هرکس به هر مضاف و مضاف الیهی که می خواست ملقب شود مهری به آن سجع می کند و هر چه می خواست می شد (همان، ص ۵۹۲). در زمان احمدشاه بعد از آنکه افراد خود را ملقب می کردند در اعیاد و مراسم نامه تبریکی به شاه می نوشتند و لقب خود ساخته را پای امضاء می گذاشتند و منشی شاه بدون تحقیق، در پاسخ به آنها نامه تشکری که لقب شخص در عنوان آن بود خطاب به وی صادر می کرد. در آن دوران بسیاری از وزراء، حکام و خوانین نیز از سرفتنن به زیر دستان و نزدیکان خود لقبهایی می دادند که بدان شهرت می یافتند. پس در اواخر قاجاریه کمتر کسی بود که دستش بجایی برسد و لقبی نداشته باشد. در آستانه مشروطیت و در جریان آن از بسیاری القاب و الفاظی که برای لقب های جدید ابداع می شد انتقادهایی به عمل می آمد و روزنامه های آزادیخواه آنها را از یادگارهای رژیم قدیم و استبدادی معرفی می کردند و شاعران در طعنه بر آن شعر می گفتند (مثلاً دیوان ادیب الممالک فراهانی، تهران، ۱۳۱۲/۱۹۳۳، ص ۲۴-۳۲۳؛ جبل المتین، تهران، سال ۱۳۲۵/۱۹۰۸، ش ۲۱۳ ص ۳-۴). با اینهمه القاب و عناوین هنوز اهمیت خود را داشت، چنانکه حتی دموکراتها نیز که از تندروان بودند القاب خود را رها نمی کردند (شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۵۹۲). تورم و انحطاط القاب در اواخر قاجاریه و حساسیت مردم نسبت به آن سبب شد که با انقراض سلسله قاجار، در سال ۱۳۰۴/۱۹۲۵ طبق «قانون النای القاب و مناصب مخصوص نظام والقاب کشوری» کلیه القاب و درجات بالای نظامی و القاب کشوری ملغی شد. با اینهمه سالها رجال با همان القاب سابق شهرت داشتند، حتی پس از اجباری شدن نام و نام خانوادگی در همان سال بسیاری از آنان نام خانوادگی خود را نوعی انتخاب می کردند که نشانی از القاب منسوخه در آن باشد، مانند محمد مصدق «مصدق السلطنه» و احمد قوام «قوام السلطنه» و خاندان فرمانفرمایان، و یاروی کارت و یزیت لقب سابق را نیز درج می کردند.\*

پرتال جامع علوم انسانی

\* - نویسنده کتابشناسی مفصلی در اینجا به دست داده است که چون منحصرأ برای تحقیق و تجسس علمی مفیدست از چاپ آن خودداری شد. (آینده)